



کالبدشکافی
سینمای
کودک
از منظری
دیگر

سینمای کودک؛ دایره‌ی بسته

هنوز سال‌های زیادی از آن دوران نگذشته است که سینمای کودک و نوجوان توانست دهی شصت شمسی را از آن خود کند. دوران طلایی سینمای کودک و نوجوان که به درستی طلایه‌دار حرکت سینمای ایران در جشنواره‌های جهانی بود، همچنان در خاطره‌ها مانده است. اما این شعله‌ی فروزان به تدریج تلالو خود را از دست داد و به حاشیه رانده شد. نخستین گام‌های افول این نوع سینما از میان رفتن گروه اکران سینمای کودک بود و به دنبال آن منحل شدن گروه کودک و نوجوان در بنیاد سینمایی فارابی دلیل دیگری بود برای کم‌فروغ شدن سینمای کودک در کشورمان.

از آن‌جا که کالبدشکافی «یک دوران سپری شده» از سینمای ایران می‌تواند ما را هرچه بیش‌تر به نقاط ضعف و قوت آن رهنمون شود، بر آن شدیم که به تعبیر خود،

بحث را از سرچشمه پی گیریم. گفت‌وگو با صاحب‌نظران عرصه‌ی سینمای کودک می‌تواند یکی از گام‌هایی باشد که از طریق آن بتوانیم دشواری‌های سینمای کودک را ردیابی کنیم. آن‌هایی که از دوردستی بر این آتش داشته‌اند یا از نزدیک در جریان مسایل اجرایی و عملی سینمای کودک بوده‌اند می‌توانند بهتر از دیگران به ما در ریشه‌یابی فراز و فرود سینمای کودک یاری برسانند.

گفت‌وگویی ما با داریوش نوروزی از این نظر می‌تواند مهم تلقی شود که او به عنوان یک فرد - که نه تنها از دور دستی بر آتش دارد بلکه از نزدیک نیز شاهد فراز و نشیب‌های این نوع سینما بوده - می‌تواند چشم‌انداز دقیق‌تری از روال سینمای کودک به دست دهد. نقطه‌ی مشترک میان گفت‌وگوکننده و گفت‌وگو شونده همانا این موضوع است که به دلیل نوع نگرش دست‌اندرکاران دولتی سینما و نبود رویکرد جامعه‌شناسانه از سوی متولیان امور آموزشی، نه تنها سینمای کودک نتوانست جای پای محکمی در سینمای ایران برای خود دست و پا کند، بلکه تلاش‌های مختصری هم که در این زمینه از سوی فیلم‌سازان و علاقه‌مندان سینمای کودک و حتی درون چارچوب تفکر سیاست‌گذاران صورت گرفت نیز عقیم ماند. این گفت‌وگو با این امید انجام شد که راهکارهایی برای طلوع دوباره سینمای کودک یافته شود؛ سینمایی که اگر برنامه‌ریزی دقیقی از سوی متولیان امر پیرامون آن شود، یقیناً می‌تواند مخاطبان گسترده‌ی خود را راضی از سالن سینما بیرون بفرستد.

گفت‌وگویی زیر، مؤید این ادعاست:

اکرم‌السادات ساکت

به نظر می‌رسد تولید فیلم‌های کودکان و یا فیلم‌های درباره‌ی کودکان روند کندی را طی می‌کند و فیلم‌سازان کمتر رغبتی به ساخت این نوع فیلم‌ها دارند؛ شما دلیل این امر را در چه می‌بینید؟

اگر بخواهم نگاهی اجمالی به سینمای کودک داشته باشم باید بگویم پیش از انقلاب ما فیلم‌سینمایی برای کودکان و نوجوانان نداشتیم و در بررسی‌های تاریخی در مورد سینمای کودک به دو فیلمی اشاره می‌کنند که تنها کودکان در آن‌ها ایفای نقش می‌کرده‌اند و می‌شود به نوعی آن‌ها را فیلم‌های برای کودکان و نوجوانان خطاب کرد؛ ولی در واقع نه به این نیت ساخته شده بودند و نه اصلاً چنین شرایطی برای آن‌ها فراهم بود، یعنی این که آن‌ها می‌توانستند مخاطب خودشان را داشته باشند، مردم می‌رفتند و فیلم را می‌دیدند اما این روند و نگاه که برای کودکان فیلمی ساخته شود وجود نداشته است، مثلاً فیلم *مراود* و *لاله* را در نظر بگیرید. اما بعد از انقلاب چند فیلم کودک ساخته شد به این نیت که این فیلم‌سازان به سمت سینمای کودک گرایش پیدا کنند *بی‌بی چلچله* ساخته شد، اما موفقیت چندانی نداشت و مخاطبش کودک و نوجوان نبود. *خانه دوست کجاست؟* ساخته شد، ولی مخاطبش کودک و نوجوان نبود؛ اولین فیلمی که در این راستا حرکت کرد و موفق بود، فیلم *شهرموش‌ها* بود که براساس عروسک‌های یک برنامه تلویزیونی ساخته شد.

باید بگویم برای هر امری برنامه‌ریزی لازم است. این برنامه‌ریزی ممکن است دولتی یا غیردولتی باشد و یا ممکن است همه متوجه آن برنامه‌ریزی باشیم یا براساس بازار به‌طور غیرمستقیم چنین برنامه‌ریزی انجام شود. زمانی که واحد کودک و نوجوان در فارابی وجود داشت این برنامه‌ریزی مشهود بود. طبیعی است که در یک سینمای دولتی، برنامه‌ریزی هم دولتی باید باشد. اما الآن هیچ‌کدام وجود ندارد.

شما چگونه به عرصه‌ی سینمای کودک و نوجوان پا گذاشتید؟

من سردبیری مجلات کودک از جمله *کیهان‌بچه‌ها*، رشد نوجوان و رشد کودک آموزش و پرورش را داشتم و در زمینه‌ی هنر کودکان و نوجوانان کار کرده بودم که باعث شد به بنیاد سینمایی فارابی بیایم و آقای بهشتی مسأله



راه اندازی سینمای کودک را مطرح کرد، تا این زمان اصلاً واحدی به نام واحد کودک و نوجوان در فارابی وجود نداشت، این واحد با این هدف به وجود آمد که بتواند در این جهت حرکت کند و باعث شود فیلم‌هایی برای کودکان و نوجوانان ساخته شود. اصلاً ساخت فیلم درباره‌ی کودکان منظور نظر نبود، البته به طور طبیعی این اتفاق می‌افتاد؛ برخی از فیلم‌سازان فیلم‌هایی می‌ساختند که برای کودکان و نوجوانان قلمداد نمی‌شد، بلکه فیلم‌های روشنفکری بود، یا فیلم‌هایی ساخته می‌شد که مخاطب عام داشت، اما درباره‌ی کودکان و نوجوانان بود. با توجه به این قضیه واحد کودک و نوجوان راه‌اندازی شد و تا زمانی هم که آقای بهشتی در فارابی بودند، این واحد فعال بود؛ ولی با تغییر مدیریت بنیاد فارابی واحد کودک منحل شد و برنامه‌هایی که از قبل طراحی شده بود از میان رفت. در آن برهه‌ی زمانی، تنها ساخت فیلم کودک و نوجوان مطرح نبود، بلکه مهیا کردن شرایطی بود که کارگردان‌ها به ساخت فیلم کودک رو بیاورند و یا کارگردان‌های جوان را وارد عرصه فیلم‌سازی برای کودکان کنیم.

هدف از ساخت فیلم کودک و نوجوان در آن دوران چه بود؟

سینما نیاز به مخاطب دارد و ایران از نظر هرم جمعیتی کشور جوانی است. آمار و ارقام متفاوتی وجود دارد. اما همه‌ی آن‌ها حاکی از این است که حدود چهل درصد جمعیت ما زیر بیست سال هستند. این یعنی بازار وسیع مخاطب. در گذشته یک گروه سینمایی خاص برای نمایش فیلم‌های کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده بود، اصلاً این سینماها برای کودکان و نوجوانان طراحی و تزئین شده بود که بتوانند کودکان را جذب کنند؛ با آموزش و پرورش بارها و بارها بر سر مسایل مختلف مذاکره شده بود تا توجه آن‌ها به دیدن این فیلم‌ها جلب بشود، به همین دلیل در شورای فیلم‌نامه و فیلم از آموزش و پرورش نماینده‌ای حضور داشت و سینماها حتی در یک دوره، سانس صبح را که مخاطب چندانی نداشت، به فیلم‌های کودکان و نوجوانان

اختصاص دادند. تعداد زیادی از فیلم‌های سی و پنج میلی‌متری به شانزده میلی‌متری تبدیل شده بود تا در مدارس قابل نمایش باشند. در واقع برنامه‌ی خیلی وسیعی وجود داشت، به شدت از فیلم‌نامه‌نویسان و فیلم‌سازانی که وارد عرصه‌ی فیلم‌سازی برای کودکان و نوجوانان می‌شدند حمایت می‌شد و ما تمام تلاشمان را می‌کردیم که در این زمینه جریانی راه بیفتد.

جشنواره کودک و نوجوان نیز با همین هدف راه‌اندازی شد؟

بله، به طور طبیعی لازم بود که جشنواره کودک و نوجوان وجود داشته باشد، تا از این فیلم‌ها حمایت شود؛ البته جشنواره‌ی کودک قبل از این وجود داشت و بخشی از جشنواره‌ی فجر بود. اما قرار شد جشنواره کودک و نوجوان از جشنواره فجر جدا شود و در اصفهان برگزار شود.

من خیلی ناامید و مأیوس بودم و نگران به اصفهان رفتیم؛ مطمئن نبودیم آیا چنین اتفاقی خواهد افتاد یا نه؛ ولی به قدری آقای ملک مدنی شهردار وقت اصفهان و شهردار کنونی تهران برخورد خوبی با ما داشت و آن چنان آمادگی همه‌جانبه‌ی شهرداری را برای برگزاری جشنواره اعلام کرد که هیچ تردیدی برای ادامه راه باقی نماند.

فیلم‌های کودکان هر سال

جزو پرفروش‌ترین فیلم‌های سال بوده‌اند

و از نظر جهانی هم باید گفت

که فیلم‌های کودکان و نوجوانان ایرانی

سینمای ما را به جهان معرفی کردند و ما

با ساخت این فیلم‌ها به جشنواره‌های

جهانی راه پیدا کردیم و بهترین و بیشترین

جوایز را هم سازندگان فیلم‌های

کودک کسب کردند

کیفیت برگزاری جشنواره در اولین دوره‌ها چگونه بود؟ در همان سال‌های اول تعداد فیلم‌های کودک و نوجوانی هم که در جشنواره حضور داشتند بسیار کم بود، اگر بخواهم دقیق بگویم سه فیلم کودک داشتیم. ما مصمم شده بودیم که برای دوازده ماه سال دوازده فیلم کودک و نوجوان داشته باشیم و اگران کنیم چون گروه سینماهای کودک داشتیم و باید آن‌ها تغذیه می‌شدند و به همین دلیل تلاش خودمان را کردیم و در سال بعد، نه یا ده فیلم کودک تولید شد. شرایط خوبی برای ساخت فیلم کودک و نوجوان فراهم شده بود.

با توجه به سیاست‌های تعریف شده‌ای که بعد از انقلاب در مورد سینمای ایران وجود داشت یعنی همان سیاست‌های حمایتی، هدایتی و نظارتی که از سال ۱۳۶۲ به وجود آمد و باعث رونق سینمای ایران شد فکر نمی‌کنید تغییر این سیاست‌ها و غالب شدن جریان اقتصادی سینما بر وجه

فرهنگی‌اش و همین‌طور جابه‌جایی مدیریت‌ها باعث شده که دیگر فیلم کودک به مفهوم مطلق ساخته نشود و فیلم‌هایی هم که ساخته می‌شود نه تنها با استقبال مخاطبان روبه‌رو نمی‌شود بلکه شکست می‌خورد؛ آیا شما تغییر سیاست‌ها و این موضوع را که همیشه همه‌ی سیاست‌ها قایم به افراد بوده است و با برکناری آن فرد همه چیز به هم می‌خورد در این امر مؤثر نمی‌دانید و فکر نمی‌کنید که اعمال سیاست‌گذاری‌ها باید صحیح باشد که با تغییر فردی این اتفاق نیفتد و یا نه کم مخاطب بودن و عدم استقبال تماشاگران سبب شده که فیلم در این زمینه کم ساخته شود؟

چون سؤال شما دو قسمت است، باید هر قسمت به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. این که آیا از فیلم‌های کودک و نوجوان استقبال چندانی به عمل نیامد باید بگویم وقتی به آمار فروش آن سال‌ها نگاه می‌کنیم، فیلم‌های برای کودکان جزو پرفروش‌ترین فیلم‌ها بوده‌اند از جمله شهرموش‌ها و یا فیلم‌هایی که سال‌های بعد ساخته شدند. فیلم‌های کودکان هر سال جزو پرفروش‌ترین فیلم‌های سال بوده‌اند و از نظر جهانی هم باید گفت که فیلم‌های کودکان و نوجوانان ایرانی سینمای ما را به جهان معرفی کردند و ما با ساخت این فیلم‌ها به جشنواره‌های جهانی راه پیدا کردیم و بهترین جوایز را هم سازندگان فیلم‌های کودک کسب کردند از جمله ابراهیم فروزش، محمدعلی طالبی، کیارستمی یا فیلم‌سازان دیگر، یعنی این فیلم‌ها نه از نظر فروش و نه از نظر جوایز بین‌المللی چیزی کم نداشتند و زمینه لازم هم در کشور ما برای استقبال از این فیلم‌ها وجود داشت؛ چون ما کشوری جوان بودیم و تماشاگران بسیاری داشتیم که می‌توانستند مخاطب این فیلم‌ها باشند و در واقع سینما هم برایشان مهیا شده بود. اما سال‌های بعد قرار شد سیاست‌های سینمایی آرام آرام به سوی حرکت کند که سینما به حال خودش رها شود و متأسفانه این رها کردن سینمای کودک خوش‌یمن نبود و باعث شد که سینمای کودک دچار رکود شود، حتی به خاطر دارم که آقای داد هم در یک مورد تلاش کردند تا بتوانند شرایط

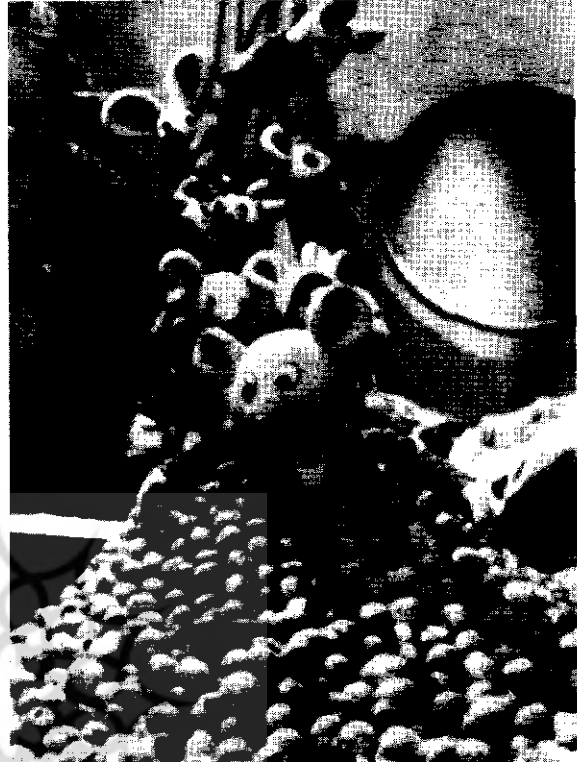
اگر بخواهیم بررسی درستی داشته باشیم با تولید شصت، هفتاد فیلم در سال ساخت یک یا دو فیلم برای کودک بسیار ناچیز است و ما باید دست کم سالی بیست فیلم کودک برای اکران داشته باشیم، من در این جا برمی‌گردم به سؤال قبلی‌ام یعنی این‌که چون سیاست‌های حمایتی و نظارتی از این نوع سینما برداشته شده و چون فیلم‌سازان نیز با عدم بازگشت سرمایه روبه‌رویند، ممکن است این سینما هم‌چنان راکد بماند؛ به نوعی باید از این سینما حمایت شود تا دوباره بتواند جان بگیرد و به عنوان یک جریان در سینمای کشور و جهان مطرح شود.

به لحاظ روانی وقتی یک فیلم‌ساز احساس کند؛ از زمانی که فیلم را می‌سازد تا زمانی که فیلم اکران می‌شود یا فیلم به جشنواره می‌رود و مورد قضاوت قرار می‌گیرد با یک سازمان واحد سروکار داشته باشد که آن جا بتوانند به مسایل و مشکلاتش رسیدگی کنند خیلی راحت‌تر حاضر است وارد این عرصه شود تا زمانی‌که احساس کند که به فیلم او مانند همه‌ی فیلم‌های دیگر نگاه می‌شود

بله، طبیعی است که چنین شود ولی نمی‌خواهم بگویم که حتماً باید حمایت ویژه‌ای بشود، در آن سال‌ها به دلیل حمایت خاص و حمایت ویژه از بیشتر فیلم‌های کودکان تهیه‌کننده‌ها به ساخت این نوع فیلم‌ها رو می‌آوردند و به طور طبیعی این اتفاق افتاد، الآن شاید آن ضرورت وجود نداشته باشد که آن حمایت ویژه از سینمای کودک بشود؛ اما لازم است که مرکزی برای تشویق و یا برنامه‌ریزی این بخش از سینما وجود داشته باشد، به لحاظ روانی وقتی یک فیلم‌ساز احساس کند؛ از زمانی که فیلم را می‌سازد تا زمانی که فیلم اکران می‌شود یا فیلم به جشنواره می‌رود و مورد قضاوت قرار می‌گیرد با یک سازمان واحد سروکار داشته باشد که آن جا بتوانند به مسایل و مشکلاتش رسیدگی کنند

را مهیا کنند به همین جهت با تشکیل یک شورا و وارد مذاکره شدن با معاونت آموزش و پرورش کار را شروع کردند، ولی نمی‌دانم که به چه دلیل تعطیل شد و کارها در آن شورا پی‌گیری نشد؛ من عضو آن شورا بودم و کارها به خوبی پیش می‌رفت ولی یک باره همه چیز رها شد و از دست رفت.

نکته‌ای که باید در نظر بگیریم این است که در دنیا هم فیلم‌سازان زیادی پیدا نمی‌شود که به سینمای کودک گرایش داشته باشند. یعنی عرصه‌ی پر تولیدی نیست این یک مسأله و مسأله دیگر این‌که مخاطبان سینمای کودک مخاطبان بالفعلی نیستند یعنی به دلیل محدودیت‌هایی که خود بینندگان یعنی بچه‌ها برای رفتن به سینما دارند تلویزیون از جایگاه بهتری برخوردار است، چون خانواده‌ها باید بچه‌ها را به سینما ببرند و آموزش و پرورش نیز باید طبق برنامه‌ریزی حساب‌شده‌ای در این مورد عمل کند و خود این مسأله به‌طور طبیعی مشکل را دو چندان می‌کند و به فیلم دیدن آسیب می‌رساند و مسأله‌ی دیگری هم که در حال حاضر در تهران مطرح است موضوع پراکندگی سینماها است که اصلاً مناسب نیستند و مراکز آموزش و پرورش نمی‌توانستند به راحتی بچه‌ها را به سینما ببرند. مسایلی از این نوع باعث می‌شد که سینمای کودک که موقعیتی بسیار عالی داشت و می‌توانست خیلی بهتر از آن بشود در جا زد. اگر چه به نظر من سینمای کودک همواره جایگاه خوبی داشته، زیرا فیلم‌ها هم از نظر فروش خوب بودند و هم از نظر استقبال تماشاگران؛ ولی اگر فیلم‌ها دچار رکود شدند دقیقاً به دلیل شرایط اقتصادی و سیاسی بود و گرنه خود سینما مشکلی نداشت، نکته دیگری که به ذهنم می‌آید و دلیل این افت شد این بود که بسیاری از مسؤولان فکر می‌کردند که با وجود جشنواره کودک آن بستر و زمینه‌ی لازم برای حرکت فیلم‌سازان کودک دیگر لازم نیست، اما چنین نبود و ما این را دیدیم. هم چنان که سینمای مستند و انجمن سینمای جوان وجود دارد باید حتماً یک بخش و یک مرکز هم برای فیلم‌های کودکان و نوجوانان وجود داشته باشد.



کارهای هنری

ساعت به کار دیگری می‌پردازد و زنگ هنر یا حتی همان انشا و یا نقاشی چرا باید انشا و نقاشی، باشد و نباید سینما باشد یعنی ما همه‌ی بچه‌ها را وادار می‌کنیم که خوشنویسی کنند و خط خوب بنویسند و یا نقاشی کنند؛ در حالی که بسیاری از بچه‌ها ممکن است اصلاً نه استعداد چنین کاری را داشته باشند و نه علاقه‌ای به این کار داشته باشند، ولی ما به زور آن‌ها را وادار می‌کنیم که نقاشی کنند، انشا بنویسند؛ در صورتی که واقعاً زمینه‌های هنری آن‌قدر وسیع است که اصلاً ضرورتی ندارد که بچه‌ها فقط به این نوع کارها بپردازند.

آموزش و پرورش متأسفانه در این زمینه نگاهی بسیار غیرقابل تغییر و دیکتاتور متشانه نسبت به این موضوع دارد و می‌خواهد طبق نظر غلطی که دارد همه‌ی بچه‌ها را تربیت کند، و می‌خواهد که همه‌ی بچه‌ها نقاش شوند؛ یا خطاط شوند، ولی شاید بچه‌ها واقعاً این هنرها را دوست نداشته باشند شاید کسی به سینما و یا تئاتر علاقه داشته باشد؛ برای بررسی هنر حتماً لازم نیست دانش‌آموز یک هنرمند بشود یعنی لازم نیست حتماً کسی بازیگر یا فیلم‌بردار یا صدابردار و یا حتی طراح صحنه باشد. یک فرد می‌تواند تئاتر و سینما را دوست داشته باشد و به دیدن نمایش و یا فیلم برود، اما آموزش و پرورش هرگز در این راستا حرکت نکرده و طوری برنامه‌ریزی نکرده که این اتفاق بیفتند. دلایلی هم که آموزش و پرورش گفت یک دلیل بر هزاران دلیل غلطی بود که در توجیه برنامه‌هایشان می‌آوردند و آن این‌که نمی‌شود در این زمینه برنامه‌ریزی کرد، و نمی‌توان بچه‌ها را به سینما برد و این قدر این توجیحات بی‌اساس است که هیچ اتفاقی در آموزش و پرورش نمی‌افتاد، و آن قدر مغز بچه‌ها را با فیزیک و شیمی و ریاضیات پر می‌کنند که دیگر، وقت آزادی برای فعالیت بهینه باقی نمی‌ماند. آموزش و پرورش باید بتواند ساعت‌های مناسبی فراهم کند که بچه‌ها فیلم ببینند فیلم همان انشاست، همان نقاشی است، همان خلاقیت است، همان آموزش مسایل اجتماعی است، همان فرهنگ پذیری از جامعه است. ما می‌توانیم زنگ هنر داشته باشیم ولی یک هفته‌ی آن می‌تواند تئاتر باشد و یا رفتن به

خیلی راحت تر حاضر است وارد این عرصه شود تا زمانی که احساس کند که به فیلم او مانند همه‌ی فیلم‌های دیگر نگاه می‌شود، ضمن این که باید این خطر را بپذیرد که نباید با سازمان‌های دیگری هم مانند آموزش و پرورش برای جذب تماشاگر وارد مذاکره شود. من می‌خواهم بگویم که همه‌ی سیاست‌ها به معنای وسیع آن به معاونت سینمایی وزارت ارشاد و یا حتی به بنیاد فارابی و کارشناسانش و حتی به طور اخص کارشناسان سینمایی بر نمی‌گردد. بسیاری از این مسایل به سازمان‌های دیگری برمی‌گردد که در گذشته نمی‌خواستند شرایط مطلوبی را آماده کنند، زیرا نگرش بسیار متفاوتی نسبت به این مقوله دارند. در آموزش و پرورش ما زنگ انشا داریم ولی هرگز به آن اهمیت درستی داده نمی‌شود و این زنگ را برای درس‌های عقب‌افتاده ریاضی تعطیل می‌کنند، ما زنگ ورزش داریم ولی چون فضای مناسب ورزشی در مدارس نیست دانش‌آموز در این

گالری عکس یا نقاشی باشد، ولی آموزش و پرورش ما از نظر اخلاقی آخرین کشور دنیاست و همین باعث می‌شود که رویکرد درستی نسبت به سینما نداشته باشد و همیشه دیدگاهی منفی و بازدارنده نسبت به سینما داشته باشد.

ولی به محض این که مدیریت‌ها در سینما تغییر کرد و مدیران آموزش و پرورش هم تغییر کردند همه چیز دستخوش دگرگونی شد.

پیش از این شورایی به نام شورای حمایت از تولید فیلم کودک و نوجوان تشکیل می‌شد که افرادی از بنیاد سینمایی فارابی و آموزش و پرورش و تعدادی فیلم‌ساز و نیز نماینده‌ای از مجمع سینمای کودک و نوجوان حضور داشتند و به طرح مشترکی در مورد سینمای کودک و نوجوان رسیده بودند، اما این شورا نیمه کاره رها شد و سیاست‌گذاری‌های آن بی‌نتیجه باقی ماند. آیا معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان مسئولی فرهنگی می‌تواند در این زمینه تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد؟

آیا آموزش و پرورش به تنهایی مسئول است؟ آموزش و پرورش را دلیل اصلی این نابسامانی‌ها نمی‌دانم، زیرا هرگاه مدیریت‌های سینمایی تغییر کردند همه چیز دچار اختلال شد و ما دچار تغییر مشی‌ها و روش‌ها شدیم این دگرگونی‌های مدیریتی و فرهنگی در روند فیلم‌سازی برای کودک بسیار مؤثر بوده‌اند.

یکی از مشکلات ما در آن زمان هم با آموزش و پرورش همین بود و نوع نگرش مسئولان آموزشی بسیار بسته بود، و هم نوع نگرش و هم نوع برنامه‌ریزی آن‌ها مانع بود؛ به هر حال این مسأله به تمام مسایل آموزش و پرورش ربط پیدا می‌کند. اصلاً در دنیا رسم نیست که از بچه‌های دبستانی این‌قدر امتحان بگیرند و این مسأله‌ی امتحان از نظر روان‌شناسی تأثیرات بسیار سویی بر بچه‌ها می‌گذارد و استرس و اضطراب امتحان بر بسیاری از بچه‌ها تا بزرگسالی باقی می‌ماند، ولی آموزش و پرورش حاضر نبود از این روش اشتباهش دست بردارد و امتحان، نمره و حجم زیاد مواد درسی مضرات بسیاری دارد؛ ولی نظام آموزش و پرورش نه حاضر به اصلاح ساختار خود بود و نه می‌توانست دیدگاه‌های دیگر را بپذیرد، به همین جهت هم راه‌های دیگری برای این مسأله پیدا کرده بودیم مثل این‌که فیلم‌ها به قطع شانزده میلی‌متری با پروژکتور در سالن‌های مدارس نمایش داده شود یعنی به‌جای این‌که بچه‌ها از فضای مدرسه دور شوند فیلم را به مدارس ببریم. این یکی از راه‌هایی بود که پیشنهاد شد گرچه مقطعی و کوتاه بود،

آیا دولتی بودن سینما نمی‌تواند عامل مؤثری در این زمینه باشد؟

از یک نظر بسیار با شما موافقم و می‌خواهم بگویم سینمای ما مانند بخش‌های دیگر کشور ما مثلاً کتاب، دولتی است و هرگاه دولت حمایت و برنامه‌ها و طرح‌هایش را از سینما حذف کرده سینما دچار بحران شده است. یعنی به محض این که واحد کودک و نوجوان بنیاد فارابی حذف شد، سینمای کودک مثل ساختمانی فرو ریخت و تمام شد. صد در صد حرفتان درست است. سینمای دولتی که وابسته به دولت است با تغییر مدیریت‌ها دچار التهاب و تشنج می‌شود و ثبات خودش را از دست می‌دهد، طبیعی است که اگر بخواهیم شرایط بهتری فراهم کنیم سینما باید خصوصی شود، ولی تا زمانی که سینما دولتی است با هر حرکت و با هر تغییر سازمانی این بحران‌ها به وجود می‌آید.

ما هر ساله شاهدیم که با نزدیک شدن به جشنواره کودک از فیلم‌سازان دعوت می‌شود تا تسهیلاتی برای ساخت فیلم در اختیارشان قرار گیرد، ولی باز هم متأسفانه فیلم‌ها به دلیل ضیق وقت و کمبود امکانات یا به جشنواره نمی‌رسند و یا این‌که به بدترین شکل از نظر تدوین و یا صداگذاری و سایر موارد اکران می‌شوند، مگر نمی‌توان این امکانات را در طول سال و آن چنان که شایسته است در



اختیار فیلم‌سازان قرار داد تا بتوانند فیلمی بهتر ارایه دهند.

وقتی می‌گوییم که مخاطب فیلم‌های کودک و نوجوان مخاطب خاصی است یعنی بچه‌ها خودشان نمی‌توانند به سینما بروند و پراکندگی سینماها در تهران درست نیست و برای آموزش و پرورش مشکل است که بچه‌ها را به این سینماها ببرد و بچه‌ها باید راه طولانی را برای رفتن به سینما طی کنند، وقتی بسیاری از ساعت‌های روز را بچه‌ها سرکلاس‌های خشک و بی‌روح می‌گذرانند، طبیعتاً به دلیل این شرایط خاص سینمای کودک و نوجوان در شرایطی قرار می‌گیرد که از آن حمایت ویژه بشود، به دلیل همین شرایط بد، سینمای کودک و نوجوان دچار مشکل می‌شود؛ یعنی ما بچه‌ها را در زندانی قرار داده‌ایم که نتوانند فیلم ببینند و نتوانند با دنیای هنر ارتباط برقرار کنند. حالا چیزی که هست این است که وقتی چنین شرایط ویژه‌ای برای سینمای کودک

و نوجوان وجود دارد، تسهیلات ویژه‌ای را هم می‌طلبید، فراموش نکنیم که فقط آموزش و پرورش و معاونت سینمایی نیستند که می‌توانند نقشی ایفا کنند، تلویزیون مسؤلیت خیلی مهم‌تری دارد، اما تلویزیون فقط به ساعت برنامه‌های خودش فکر می‌کند و حتی خودش را شبیه جزیره‌ی مستقلی می‌داند که اجازه نمی‌دهد سینما به آن راه پیدا کند. تلویزیون خودش را رقیب و یا شاید هم دشمن سینما می‌داند. در حالی که هیچ‌کدام جا را برای دیگری تنگ نمی‌کند و همکاری آن‌ها می‌تواند منجر به ارتقای فرهنگی شود. یعنی شاید یک راه درست این باشد که تلویزیون بر روی فیلم‌های کودک بیش‌تر سرمایه‌گذاری کند؛ زیرا مخاطب بیش‌تر دارد و به دلیل این که در خانه ارتباط بهتری برقرار می‌شود و کودک با نشستن پای تلویزیون می‌تواند یک فیلم سینمایی کودکانه ببیند یعنی باید برنامه‌ریزی را به نحوی تغییر دهیم که فیلم‌ساز کودک به دلیل این که

دارد. جشنواره‌های دیگر به شکل‌های دیگری برگزار می‌شود مثلاً اسکار که شرایط خاص خودش را دارد و یا جشنواره جیفونی که جشنواره کودک است و چون تمام داورانش کودک هستند یک اعتبار علمی دارد ولی جشنواره‌های ما چه؟ جشنواره کودک و فجر ما می‌خواهد چکار کند، هر ساله حدود دویست تا سیصد فیلم در هر دو جشنواره نمایش داده می‌شود، هدف از این کار چیست؟ جشنواره کودک می‌خواهد چه راهبردی ارائه دهد؟ جشنواره کودک می‌خواهد به هنرمند پوشش بدهد، می‌خواهد برای هنرمند اعتبار قابل باشد، اما نه مطبوعات ما نه تلویزیون ما هیچ کدام درست پوشش نمی‌دهند و یا حتی سازمان‌های دیگر ما برای کسانی که در جشنواره جایزه گرفته‌اند؛

باید در نوع برگزاری جشنواره تجدیدنظر کنیم و نوعی دیگر برنامه‌ریزی و سازمان دهی کنیم، ما باید بررسی و تحقیق کنیم که آیا لازم است جایزه‌های کلان بدهیم یا لازم است تبلیغات وسیع کنیم یا لازم است شرایط بهتری برای این نمایش‌ها فراهم کنیم یعنی کدام روش بهتر است

ارزش قابل نیست و فیلم‌های پرفروش ما فیلم‌هایی نیستند که جایزه گرفته‌اند، ممکن است حالا فیلمی که جایزه گرفته پرفروش باشد؛ ولی این قانون نیست این یک استثناست، به این جهت تماشاگر ما هم اعتباری برای جشنواره ما قابل نیست یعنی این که ما باید به این نتیجه برسیم که آیا ما مخاطبانمان را متأثر می‌کنیم؟ آیا مردم منتظرند ببینند ما به چه فیلمی جایزه می‌دهیم تا بروند آن فیلم را ببینند؟ آیا وقتی جایزه می‌دهیم باعث می‌شود که آن هنرمند اعتبار و وجهه خاصی پیدا کند؟ آیا وقتی فیلمی جایزه می‌گیرد حمایت‌های ویژه‌ای از آن می‌شود؟ ما نه از نظر مالی، نه شأن اجتماعی نه اعتبار بین‌المللی چیزی به آن نمی‌افزاییم ما باید این شرایط را به گونه‌ای آماده کنیم که

سالن‌های مناسب برای فیلم کودک کم است با این اطمینان که تلویزیون فیلمش را با قیمت مناسب می‌خرد به ساخت فیلم کودک روی آورد و جشنواره هم از آن بهره‌مند شود. در واقع جشنواره محل عرضه فیلم‌هایی است که در طول سال ساخته می‌شود و در معرض نوعی قضاوت قرار می‌گیرد اگر برنامه‌ریزی نباشد یا فیلم به جشنواره نمی‌رسد و یا با مشکل به جشنواره می‌رسد.

آیا دست‌اندرکاران سینمای کودک و نوجوان تعریف روشن و دقیقی از جشنواره برای این ژانر سینمایی دارند به نظر می‌رسد که اصلاً تعریف درستی از آن و کارکردش مورد نظر نیست، چرا که جشنواره کودک تاکنون بسیار ناموفق عمل کرده است.

فکر می‌کنم ما باید برای جشنواره یک تعریف داشته باشیم، یعنی زمانی که تعدادی فیلم را می‌آوریم و طبق شرایطی و با قوانین و ضوابط خاصی نمایش می‌دهیم باید برایش تعریفی داشته باشیم و نیز هدفی را دنبال کنیم و برای برآوردن آن هدف دست به چنین کاری بزنیم. جشنواره ممکن است اهداف متعددی داشته باشد، فرض کنید ما می‌خواهیم از فیلم‌سازان تقدیر کنیم؛ ما می‌خواهیم شرایطی فراهم کنیم که با تقدیر از فیلم‌سازان آن‌ها را تشویق کنیم که فیلم خاصی را بسازند، در واقع می‌خواهیم شرایط فرهنگی به وجود بیاوریم که فیلم‌سازان در طول سال توجه‌شان به ساخت آن نوع فیلم جلب شود؛ یکی دیگر این است که ما می‌خواهیم فیلم‌سازان کشورهای دیگر به ما توجه کنند و در جهت اهداف و نیت فرهنگی ما حرکت کنند و بیایند طبق ملاک و معیارهای ما فیلم بسازد. مثلاً بسیاری از هنرمندان دنیا متأثر از جشنواره کن هستند و فیلم می‌سازند که در جشنواره کن به نمایش درآید؛ جشنواره کن می‌تواند خواسته‌ی هنرمند را برآورده کند یعنی هنرمند دلش می‌خواهد خودش و فیلمش مطرح شود، در آن جا فیلمش خریداری می‌شود و در جاهای دیگر اکران می‌شود و او جوایز مالی ارزشمندی به دست می‌آورد و یا لاقلاً اگر جوایز مالی نبرد جایزه‌ای که می‌برد پیامد هنری برای او

هنرمند طالب جشنواره بشود ما برای هر جشنواره میلیون‌ها تومان هزینه می‌کنیم و این هزینه‌ها گاه نابجاست و ارزشمند نیست.

آیا با توجه به گفته‌های شما نمی‌شود جشنواره کودک را به عنوان بخشی از جشنواره فیلم فجر درآورد؟
این حرف شما ناقص صحبت‌های قبلی شماست چون ما آن موقع سینمای کودک را کوچک کرده‌ایم.

ما در جامعه و فرهنگ خاصی

زندگی می‌کنیم و بسیاری از دیدگاه‌های مدیران

جشنواره به شرایط فرهنگی

خاص جامعه ما برمی‌گردد و در این چند ساله

اگر کاری انجام گرفته زیر ضربات هزاران

سوال و اما و اگر بوده است

نه کوچکش نکرده‌ایم، به نظرم وقتی جشنواره کودک با توجه به کاستی‌ها و مشکلاتی که دارد و در شهری دیگر با سیاست‌های خاص محلی و منطقه‌ای اداره می‌شود، اگر به بخشی از جشنواره فجر تبدیل شود و در تهران باشد، یعنی در سینماهای پیش‌تر و با مخاطبان پیش‌تر و به شکل بین‌المللی بهتر نخواهد بود.

فکر می‌کنم فقط جشنواره کودک نیست که مشکل دارد، چون هر دو جشنواره فجر و کودک این مشکلات را دارند؛ یعنی باید در نوع برگزاری جشنواره تجدیدنظر کنیم و نوعی دیگر برنامه‌ریزی و سازمان دهی کنیم، ما باید بررسی و تحقیق کنیم که آیا لازم است جایزه‌های کلان بدهیم یا لازم است تبلیغات وسیع کنیم یا لازم است شرایط بهتری برای این نمایش‌ها فراهم کنیم یعنی کدام روش بهتر است، اوایل انقلاب این مسأله وجود داشت که چون فیلمی از خارج وارد کشور نمی‌شد یا اکران نمی‌شد فیلم‌های خوب خارجی برای اولین بار در جشنواره نمایش داده می‌شد و مردم برای دیدن آن فیلم‌ها به سالن‌های جشنواره می‌آمدند. اما با ورود تکنولوژی دیجیتال و CD مردم خیلی زودتر از سینماها به

فیلم‌ها دسترسی پیدا کردند و دیگر جشنواره و سالن‌های سینمای ما از این جهت ارزش و اعتبار خودشان را از دست دادند، و دیگر آن‌ها نبودند که برای اولین بار فیلم‌ها را نمایش می‌دادند؛ بلکه فیلم‌ها را مردم روی CDها و نوارهای ویدیو می‌دیدند، حتی با شرایطی بهتر. زیرا مردم سر حوصله و با دقت در منزل فیلم‌ها را تماشا می‌کردند و با آسایش بیشتری این کار را انجام می‌دادند؛ بنابراین لازم بود که در جشنواره تجدید نظر کنیم ولی این اتفاق نیفتاد و تفاوتی که فیلم سینما با فیلم ویدیو دارد نادیده گرفته شد. آیا همه‌ی مردم ترجیح می‌دهند فیلم‌ها را در ویدیو ببینند و نه بر روی پرده عریض سینما با کیفیتی بالاتر؟ و شرایط صدا و تصویر بهتر و این‌که شاید فردی بخواهد لحظاتی از خانه بیرون بزند و به سینما برود هنوز برای سینما یک ویژگی برتر است، اما اگر قرار باشد سینماهای ما فیلم‌ها را نه تنها برای اولین بار نمایش ندهند، بلکه کیفیت کارشان نیز بسیار پایین باشد مسلم است که تمام انگیزه‌ی مردم از میان می‌رود و آن‌ها به سینما نمی‌آیند. ما باید شرایط خوبی فراهم کنیم جشنواره هم از این قانون تبعیت می‌کند یعنی باید فیلم بهتر و شرایط بهتری فراهم کنیم.

ما هر ساله در این جشنواره شاهد فیلم‌های تکراری و بخش‌های تکراری هستیم، مثلاً فیلمی مثل سایمون کوچولو به خانه برمی‌گردد یک سال در بخش سینما و ادبیات و سال بعد در بخش مرور بر آثار استریدلیندگرن، یا یک سال مراسم بزرگداشت آثار علیقلی زاده به عنوان سازنده موسیقی فیلم‌های کودکان برگزار شد و دو سال بعد دوباره با عنوانی دیگر مثلاً یک روز با... در حالی که در طی همین سال‌ها بسیاری از کارهای فیلم‌سازان کودک در این جشنواره‌ها نادیده گرفته شد و برای دلجویی بعضی افراد کارها تکرار شد، چرا باید چنین باشد و در واقع از این تکرارها جلوگیری نشود. یعنی بخش‌ها به شکلی آرایه شوند که از دوباره کاری پرهیز شود و به نظر نرسد که جشنواره کودک کارایی‌اش را از دست داده است. شاید این اشاره شما برگردد به تعریفی که از جشنواره دادم.

کودک ایران این نگاه وجود ندارد. آیا این اشکالات به دیدگاه متولیان جشنواره بر نمی‌گردد؟

با قسمت‌هایی از حرف‌های شما موافقم و فکر می‌کنم یکی از مسایل و مشکلات ممکن است مدیریت جشنواره باشد، ولی ما در جامعه و فرهنگ خاصی زندگی می‌کنیم و بسیاری از دیدگاه‌های مدیران جشنواره به شرایط فرهنگی خاص جامعه ما برمی‌گردد و در این چند ساله اگر کاری انجام گرفته زیر ضربات هزاران سوال و اما و اگر بوده است، ولی اگر گوشه‌ای بنشینید هیچ کس به شما ایرادی نخواهد گرفت و مزاحم شما نمی‌شود؛ به این جهت متولیان جشنواره در کشور ما وقتی می‌خواهند جشنواره‌ای را برگزار کنند باید دل همه را به دست بیاورند و همه گروه‌ها و جناح‌ها دست به دست هم می‌دهند که جشنواره معجونی از چیزهای مختلف اما مورد نظر آن‌ها باشد هم می‌خواهند شهرداری راضی باشد و هم قوه قضاییه راضی باشد و هم هنرمندان از آن‌ها راضی باشند، همه‌ی این‌ها یک جا فراهم نمی‌شود و وقتی توان در جشنواره ویژگی خاص یک هنرمند را در نظر گرفت دیگر او از شرکت در جشنواره امتناع می‌کند.

آیا برگزاری جشنواره در شهر اصفهان نمی‌تواند مانع حرکت درست جشنواره باشد؟
این به شهر اصفهان یا حتی مسوولان اصفهان بر نمی‌گردد.

منظورم فقط شهر اصفهان نیست بلکه محلی بودن آن است؟

فکر می‌کنم لزومی ندارد که هر جشنواره‌ای در تهران برگزار شود و یکی از بهترین شهرها اصفهان است و اصفهان شهر بزرگی است که می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد و مخاطبان زیادی دارد و شهر تاریخی و زیبایی است که برای خارجی‌ان جذاب است. برگزاری جشنواره در اصفهان به لحاظ ابعاد و سایر مسایل بسیار خوب است، چون جشنواره کن نیز در شهری کوچک برگزار می‌شود؛ هم چنین جشنواره جیفونی در روستایی در ایتالیاست در حالی که به نسبت این دو

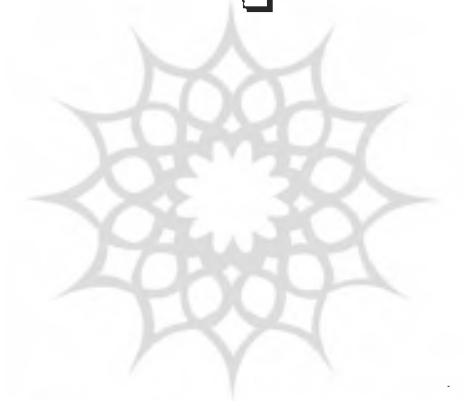
اگر جشنواره کارایی لازم را داشته باشد، آن وقت این اتفاق نمی‌افتد. در جشنواره جیفونی فقط کودکان قضاوت می‌کنند دیگر در آن صورت نیازی نداریم که جشنواره کودک در پنج سینما برگزار شود و مجبور شویم که برای پر کردن سینماها برنامه‌ریزی کنیم و چون دسترسی به فیلم‌های خارجی نداریم و چون مسأله اخلاقی داریم و نیز بسیاری از فیلم‌سازان خارجی حاضر نمی‌شوند که فیلم‌هایشان سانسور شود. ما حالا باید به دلیل این‌که فیلم‌های اندکی وارد می‌کنیم شرایط جشنواره‌مان را تغییر دهیم، و مردم را جذب کنیم با دو سالن سینما و با امکانات بهتر همان جو و ازدحام را به وجود آوریم؛ چیزی که بارها دیده شده این است که با جشنواره فیلم یک کارناوال هم راه می‌اندازند ولی این دو باید از هم جدا شوند نگاه مسوولان باید تغییر کنند باید سینما به عنوان یک مقوله جدی مطرح شود، و به عنوان یک مقوله علمی - هنری و یک وسیله ارتباطی آن را تلقی کرد. اجرای نمایش و راه‌اندازی کارناوال و جشن و پایکوبی تنها باعث می‌شود که فضای شهر شاد شود. این مسأله از زمانی اتفاق افتاد که جشنواره به طرف برآوردن نیازهای شهرداری سوق پیدا کرد. انتظار شهرداری از یک جشنواره این است که شهر را شاد و دلپذیر کند و مسوولان جشنواره هم به خاطر این‌که نیت آن‌ها برآورده شود این نمایش را گسترش می‌دهند و به این ترتیب آن بخش هنری - فرهنگی جشنواره کم‌رنگ می‌شود.

آیا کیفیت جشنواره کودک به دیدگاه مدیران اجرایی مربوط نیست، مثلاً جشنواره جیفونی یا اسکار یا جشنواره کودکان هندکارکرد مشخصی دارد، ولی در جشنواره کودک و نوجوان ایران هر ساله شاهدیم که نوع بیانیه‌های داوران کودک اصلاً دیدی کودکانه ندارد و تعدادی کلمات علمی - فرهنگی از دهان سخنگوی داوران کودک ادا می‌شود که به نظر می‌رسد به دنیای تخیلی و به شدت واقعی کودکانه کاری ندارد، و با آن بیگانه است. در حالی که در سایر کشورها این گونه نیست و کودک دنیای خاص خودش و تصورات خاص خودش را دارد، اما متأسفانه در جشنواره

اصفهان شهر بزرگی است.

به عنوان آخرین پرسش شما آینده‌ی سینمای کودک را چگونه می‌بینید؟

فکر می‌کنم با توافقاتی که بین آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری و معاونت سینمایی انجام شده می‌توان آینده‌ی خوبی را پیش‌بینی کرد. خوشبختانه دیگر آن شرایط قبل بر آموزش و پرورش حاکم نیست، الان مسئولان و کارشناسان نگاه بازتری دارند و شرایط برای حرکت جدید آماده شده. نظام آموزشی و فرهنگی و هنری حاکم بر آموزش تغییر کرده و قرار شده که سالن‌های ویژه‌ی کودکان و نیز سالن‌های آموزش و پرورش فعال شوند. می‌شود همه‌ی این‌ها را به فال نیک گرفت. □



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی